



دیپلماسی ورزشی: زمین بازی جدید در روابط بین الملل

عبور از دیپلماسی سنتی به قدرت نرم در قرن بیست و یکم

بر اساس پژوهش‌های استوارت موری | مترجم: منصور کیائی

ورزش، در خط مقدم ژئوپلیتیک



انزوای استراتژیک

تحریم‌های ورزشی مرتبط با جنگ اوکراین (محرومیت از سوی کمیته بین‌المللی المپیک و فیفا) پیش از تحریم‌های اقتصادی، فشار روانی ایجاد کردند.



اهرم فشار بین‌المللی

بایکوت‌های ورزشی، رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی را به لحاظ فرهنگی منزوی کرد و نقار نقش کلیدی در فروپاشی آن داشت.



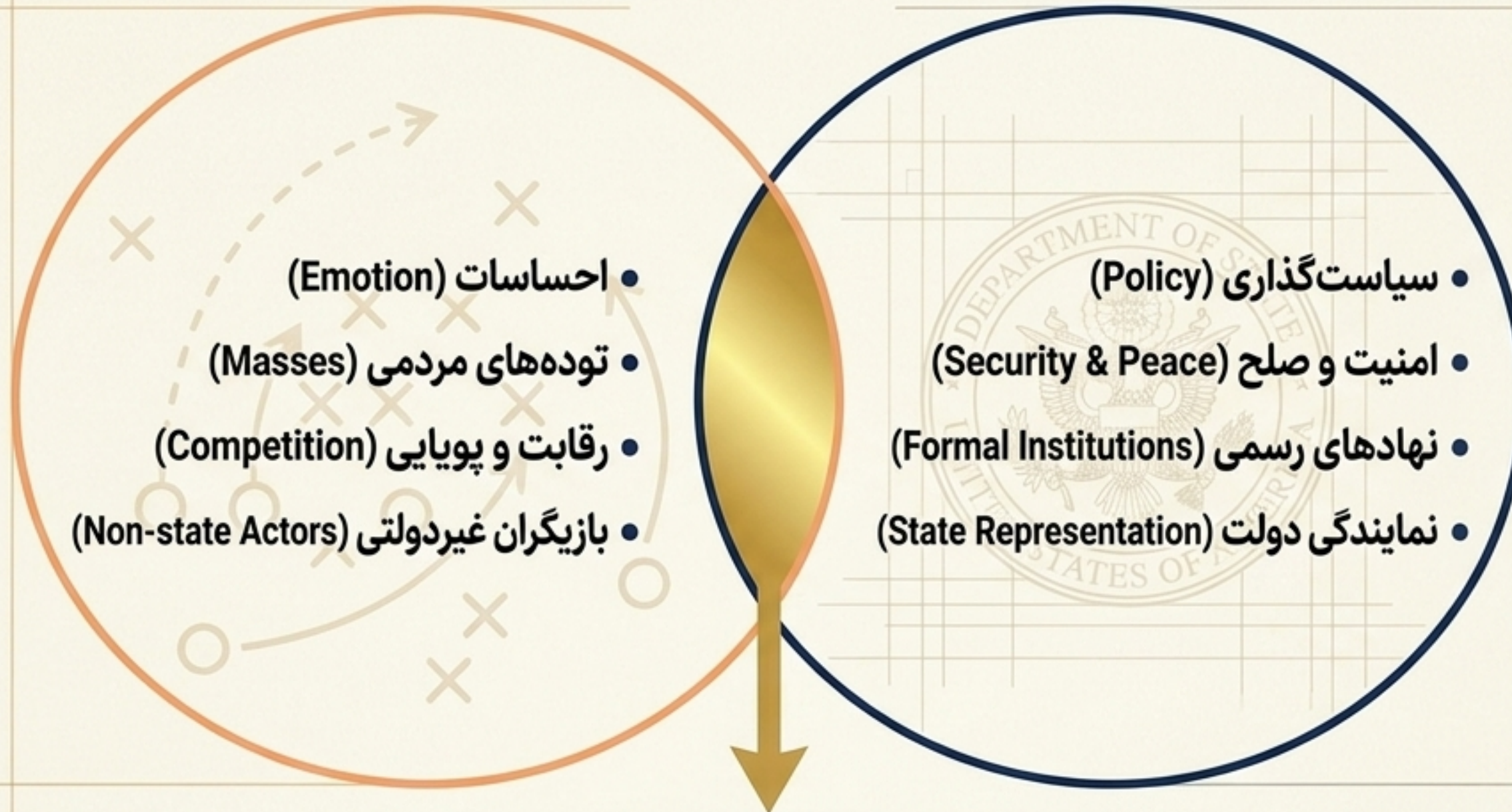
بازسازی تصویر ملی

میزبانی مسابقات بزرگ (Mega-events) به ابزاری برای ملت‌ها جهت بهبود برند، شهرت و پیوندهای مردمی تبدیل شده است
است

«دیپلماسی ورزشی ما دیگر یک موضوع حاشیه‌ای نیست؛ بلکه ابزاری آگاهانه، راهبردی و مستمر است.»

دیپلماسی

ورزش



دیپلماسی ورزشی

یک حوزه میان‌رشته‌ای نوین. استفاده از ورزش به عنوان ابزاری برای ارتباطات، نمایندگی، مذاکره و رسیدن به اهداف دیپلماتیک با حداقل اصطکاک.

«ورزش می‌تواند دنیا را تغییر دهد...
ورزش به زبانی با مردم صحبت
می‌کند که قدرت فهم آن را
دارند.»

— نلسون ماندلا، سال ۲۰۰۰

شالوده‌شکنی: دیپلماسی فراتر از سفارتخانه‌هاست



دیدگاه تقلیل‌گرایانه (Westphalian)

- انحصار دولت‌ها (State monopoly)
- پنهان‌کاری و نخبه‌گرایی (Secrecy & Elitism)
- محدود به وزارت‌خانه‌های خارجه
- ریشه در دوران رنسانس و ماکیاولی

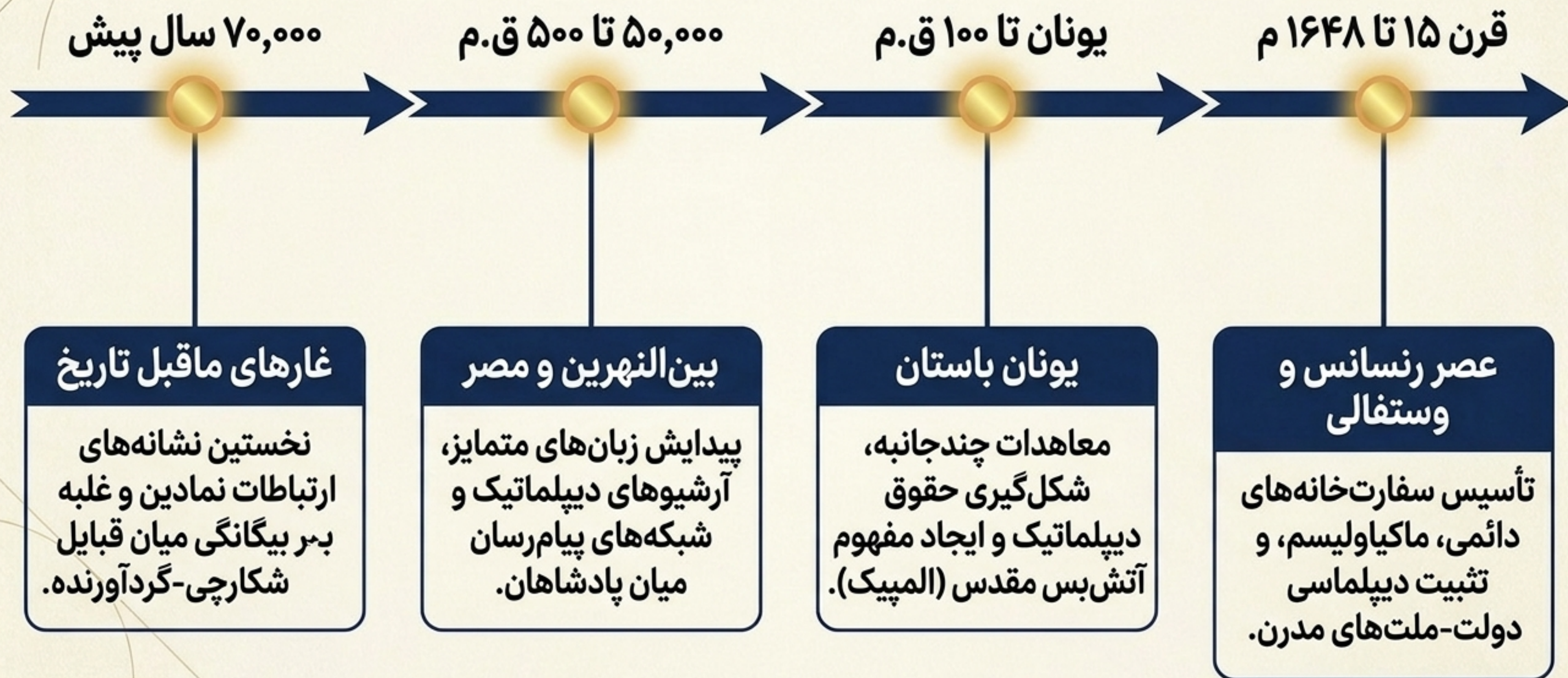


دیپلماسی شبکه‌ای (Networked Diplomacy)

- تکامل مستمر از غارها تا امروز
- دیپلماسی عمومی و ارتباط با شهروندان
- بازیگران متنوع (ورزشکاران، سمن‌ها)
- تمرکز بر قدرت نرم و جذابیت

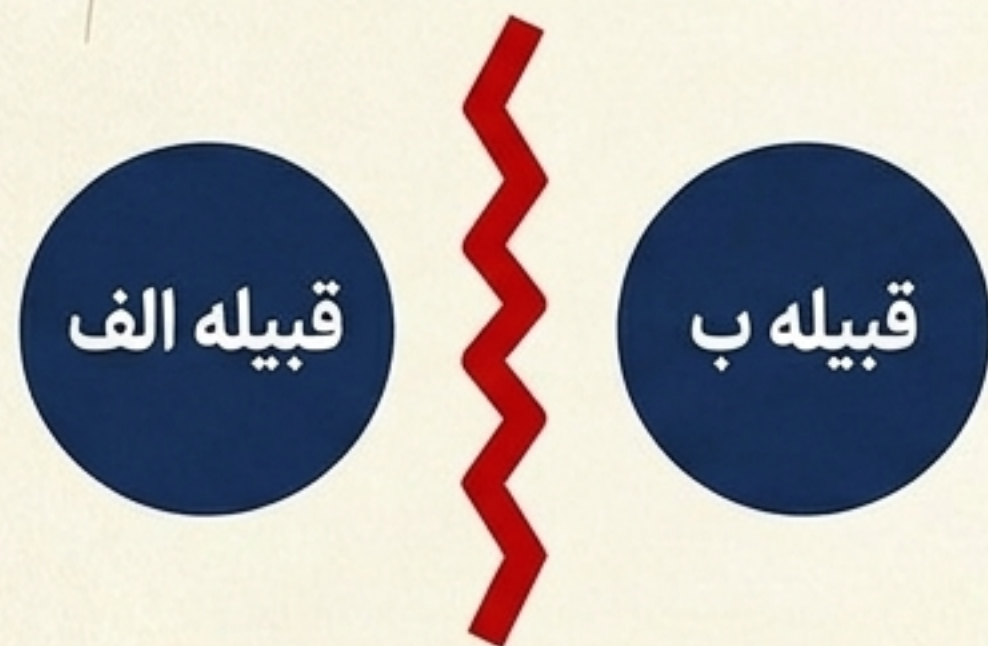
دیپلماسی پیش از پیدایش دولت‌ها وجود داشته و پس از آن‌ها نیز به تکامل خود ادامه خواهد داد.

استمرار دیپلماتیک: از غارها تا میزهای مذاکره



آناتومی یک ارتباط باستانی: غلبه بر «بیگانه»

فاز ۱: انزوا و تهدید



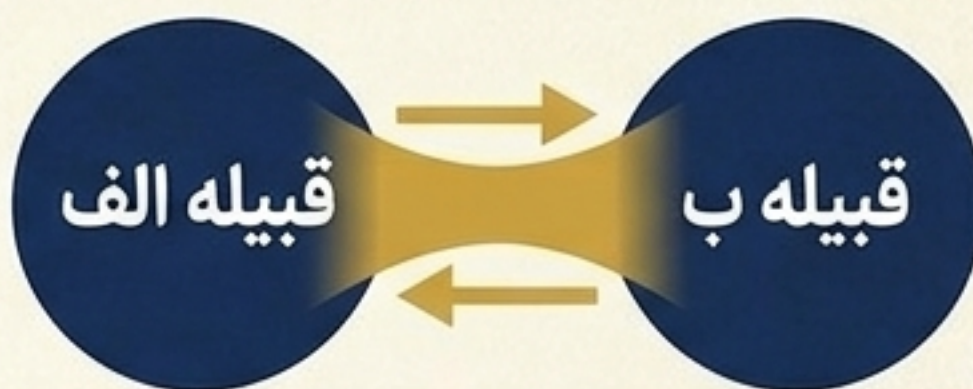
نگاه هابزی (Hobbesian):
بیگانگان به عنوان تهدید، خونریزی
و رقابت بر سر منابع محدود.

فاز ۲: ارسال پیام‌آور



استفاده از میانجی‌گران اولیه،
مبادله هدایا و نشانه‌های نمادین
برای کاهش تنش.

فاز ۳: شکل‌گیری دیپلماسی



تبدیل بیگانه (Alien) به مهمان
(Guest). گذار از تقابل فیزیکی به
مذاکره و همزیستی.

خلاصه: ورزش‌های ابتدایی و آیین‌ها، اولین ابزارهای بشر برای
ایجاد این پل‌های ارتباطی بدون نیاز به زبان مشترک بودند.

تطور پیام‌آوران: چگونه بازی جای خود را به پروتکل داد؟



پیام‌آور یونانی (سفیر المپیک)
نقش: اسپاندوفوروئی (Spondophoroi)

سفر میان دولت‌شهرها برای اعلام
اکچریا (آتش بس مقدس). دیپلماسی
به عنوان ابزاری برای تسهیل رقابت
ورزشی و پان‌هلنیسم (اتحاد یونانی).



سفیر رنسانس (عصر ماکیاولی)
نقش: دیپلمات مقیم ایتالیایی

مأمور جمع‌آوری اطلاعات، فریب، و
بازی‌های قدرت پنهان.
تغییر نگاه از اتحاد به منفعت‌طلبی و
حفظ بقای دولت.



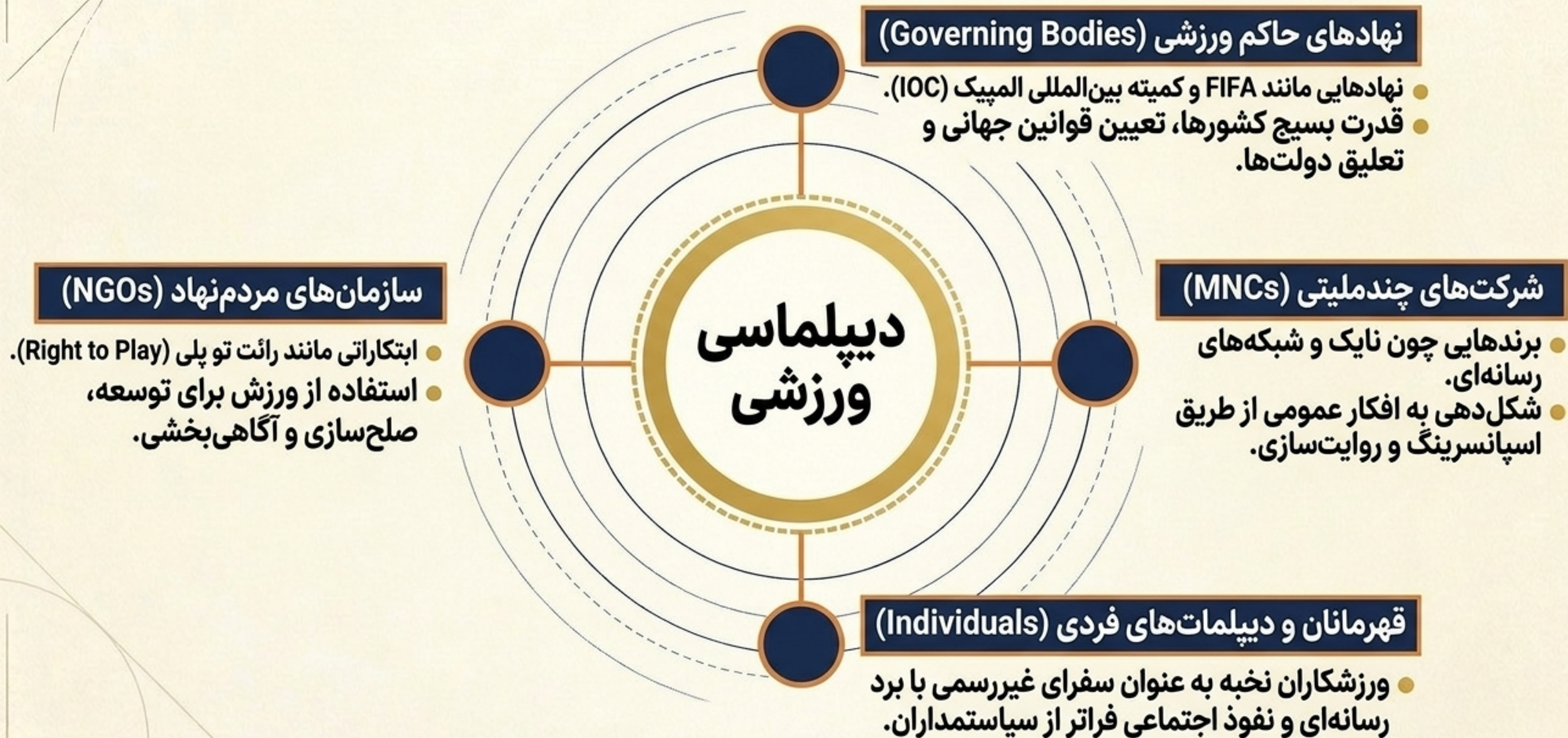
دیپلمات کلاسیک (عصر وستفالی)
نقش: نماینده رسمی دولت (Aristocrat)

مذاکرات محرمانه، زبان مبهم،
پروتکل‌های خشک، و وفاداری مطلق
به پادشاه. دیپلماسی تبدیل به
حرفه‌ای بسته و نخبه‌گرا شد.

تقابل پارادایم‌ها: دیپلماسی سنتی در برابر دیپلماسی ورزشی

دیپلماسی سنتی (Traditional)	دیپلماسی ورزشی (Sports)
منحصراً دولت‌ها، سفرا، و وزرای خارجه.	شبکه‌ای از دولت‌ها، فدراسیون‌ها، شرکت‌های چندملیتی، سمن‌ها و ورزشکاران.
نخبگان سیاسی و سران سایر کشورها (ارتباط دولت با دولت).	افکار عمومی جهانی، جوانان و جوامع مدنی (دیپلماسی عمومی).
زبان پیچیده، مبهم، پروتکل‌های سنگین، مذاکرات درهای بسته.	زبان جهانی و فیزیکی، احساسی، شفاف، و رویدادهای میدانی پرمخاطب.
ایستا، کند، محافظه‌کارانه و واکنش‌پذیر.	پویا، سریع، منعطف و مبتنی بر جذابیت (قدرت نرم).
ماهیت و سرعت	

معماری جدید قدرت: بازیگران غیردولتی (NSSAs)



قدرت نرم در میدان: مطالعات موردی موفق



دیپلماسی پینگ‌پنگ (۱۹۷۱)

اقدام: تبادل بازیکنان تنیس روی میز بین آمریکا و چین در دوران جنگ سرد.

دستآورد استراتژیک: شکستن یخ روابط دیپلماتیک دو کشور پیش از مذاکرات رسمی؛
اثبات کارآمدی دیپلماسی دیپلماسی مسیر دوم (Track II).



دیپلماسی کریکت (شبه‌قاره)

اقدام: استفاده رهبران هند و پاکستان از مسابقات کریکت.

دستآورد استراتژیک: کاهش تنش‌ها در زمان بحران‌های امنیتی و نظامی؛
ایجاد فضایی غیررسمی برای گفتگوی سران دو کشور.



ماندلا و جام جهانی راگبی (۱۹۹۵)

اقدام: پوشیدن پیراهن «اسپرینگ بوکس» توسط نلسون ماندلا.

دستآورد استراتژیک:
دستآورد استراتژیک: نماد قدرتمند وفاق ملی، عبور از شکاف‌های نژادی آپارتاید و معرفی یک آفریقای جنوبی جنوبی متحد به جهان.

روی تاریک: ضد دیپلماسی و آسیب شناسی ورزش



بایکوت و تحریم

تبدیل مسابقات به ابزار جنگ سرد (مانند تحریم المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس آنجلس) که به جای اتصال، شکاف ها را عمیق تر می کند.



تروریسم و خشونت

استفاده از پلتفرم ورزشی برای اهداف افراطی و مخابره پیام های رادیکال؛ مانند فاجعه گروگان گیری گروگان گیری در المپیک ۱۹۷۲ مونیخ.



دوپینگ سیستماتیک

گزارش های آژانس جهانی ضد دوپینگ (WADA) درباره دوپینگ سازمان یافته (مانند روسیه ۲۰۱۱-۲۰۱۵) که اعتبار ورزشی یک ملت را تخریب می کند.



فساد نهادینه شده

رسوایی های مالی و تبانی در نهادهای حاکم (مانند دوران سپ بلاتر در فیفا) و رسوایی انتخاب میزبان المپیک زمستانی سالت لیک سیتی ۲۰۰۲.

سنتز استراتژیک: فرمول موفقیت در قرن بیست و یکم

**دولت‌ها و
دیپلمات‌های رسمی**

نیازمند ارتباط با توده‌ها،
بازسازی تصویر عمومی
عمومی و ابزارهای
نوین برای اعمال قدرت
نرم هستند.

**سیاست‌گذاری موفق نیازمند
تلفیق است.**

دیپلماسی نباید با ورزش ترکیب شود تا
آن را فاسد کند، بلکه باید از ظرفیت‌اران
سفرای شبکه‌ای برای پیشبرد صلح،
تجارت و برند ملی بهره برد.

**نهادها و
قهرمانان ورزشی**

دارای شبکه‌های عظیم
انسانی، جذابیت ذاتی و
رسانه هستند، اما
اما به دانش حقوقی و
بین‌المللی نیازمندند.

«در جهانی آشفته، ورزش شاید تنها زبانی باشد که بیگانه را بدون
نیاز به ترجمه، به مهمان تبدیل می‌کند.»